

وقتی از ارتباط فردوسی و زبان فارسی سخن می‌گوییم گویی امری بدیهی و مسلم را تکرار می‌کنیم تا آن‌جا که خود را نیازمند به هیچ‌گونه پافشاری و استدلالی نمی‌بینیم. فردوسی همچون یک باغبان کارکشته و دلسوز درخت پارسی را آبیاری و شاخ و برگ آن را بارآور کرد؛ مگر نه این که او شاهنامه خویش را درختی برومند و بارآور نامید که همچون سروی سایه فکن بر و برگ و بار او خردمندی و تابناکی و مردم‌داری است و هرکس که زیر این نخل بلند جایگه سازد «همان سایه زو باز دارد گزند».

بی‌تردید شاهنامه یکی از بنیانهای زبان و ادب فارسی است که بی آن درخت فرهنگ و ادب این مرز و بوم نمی‌توانست در برابر تند بادهای حوادث اینگونه استوار و شکوهمند بایستد و همه حوادث را باگردنفرازی از سر بگذرانند. هم قدمت شاهنامه و هم حجم زیاد و هم کیفیت معنایی آن بر اهمیت این کتاب تأکید می‌کند. شاهنامه از نظر کمیت یکی از بزرگترین، از نظر کیفیت یکی از شکوهمندترین و از نظر قدمت شاخص‌ترین آثار بر جای مانده از زبان فارسی است. کمیت اشعار رودکی نیز بنا بر قراین تاریخی بالا بوده است اما آنچه امروز می‌توانیم به عنوان یک واقعیت فرهنگی و زبانی بدان تکیه کنیم آثاری است که از حوادث روزگار سر به سلامت برده و امروز دستمایه فرهنگی و افتخار قومی ما را تشکیل می‌دهد. اصلاً همین که اثری بتواند از حوادث ایام سر به سلامت برد و خود را در درازای تاریخ به کرسی بنشانند دلیلی بر اهمیت و نیاز جامعه به آن است و معنی این دوام این است که این اثر مورد توجه و علاقه مردم بوده که با دشواریهای فراوان آن را رونویس و یا سینه به سینه محتویات آن را برای آیندگان نقل می‌کرده‌اند و این امر سبب شده که دستنویسهای آن تا روزگار ما دوام یابد و در سده‌ها و دهه‌های اخیر به چاپ و نشر سپرده شود. بی‌شک اهمیت شاهنامه برای قومیت و یکپارچگی ایران است که بقای آن در طول تاریخ برای آیندگان ضمانت شده است.

امروز ما باید یک بار دیگر از نگاه زبان و کیان فرهنگ فارسی به شاهنامه بازگردیم و اهمیت این اثر شگرف را از این جهت نیز مورد بازشناسی قرار دهیم. این کار جز با بازخوانی شاهنامه از نگاه زبان‌شناسی و لغت و اشتقاق و ترکیب‌سازی و شناخت ظرفیت‌های پساوندی و پیشاوندی و امکانات ترکیبی زبان فارسی عملی نیست. کاری که لازم است در دانشگاهها، مراکز پژوهشی و حتی فرهنگستان زبان و ادب فارسی مورد و ملاک عمل قرار گیرد و گروهها و افراد توانمندی برای رسیدن به این هدف به مطالعه و بازخوانی شاهنامه بپردازند.

ما امسال محور همایش بزرگداشت فردوسی و شاهنامه را «فردوسی و زبان فارسی» قرار دادیم تا براین مهم تأکید کنیم و توجه پژوهشگران و شاهنامه شناسان را به این محور اصلی جلب کنیم. با وجود عدم امکانات و محدودیت‌های متعدد اجرایی و اطلاع رسانی استقبال از این محور خوب بود و تعداد قابل توجهی خلاصه مقاله رسید که به دلیل همان محدودیت‌ها تنها بخشی از آنها در این خلاصه مقالات به چاپ رسید و تعداد کمی از اصل مقالات هم در روزهای برگزاری همایش قرائت شد.

با سپاس از پدید آورندگان این مقالات و پوزش از این که نتوانستیم همه آنها را در برنامه سخنرانیه‌ها بگنجانیم، توجه دانشجویان و عموم محققان را به این نکته جلب می‌کنیم که اگر پژوهشی در این زمینه چه در قالب پایان‌نامه و رساله و چه در قالب پژوهش مستقل و با تفصیل بیشتر به ثمر برسد، این قطب علمی آمادگی دارد پس از تأیید علمی اثر از سوی داوران نسبت به چاپ و نشر و یا دست کم حمایت از آن اقدام کند. نشر مقالات مستحکم و علمی - پژوهشی هم می‌تواند از سوی مجله علمی - پژوهشی این قطب علمی، یعنی دانش و خرد، که نخستین شماره آن قریباً منتشر خواهد شد مورد بررسی قرار گیرد و در صورت تأیید برای چاپ آن اقدام شود. در پایان از همکار محترم آقای دکتر فرزاد قائمی که برای ویرایش و آماده سازی این خلاصه مقالات به صورتی که می‌بینید زحمت کشیده‌اند و همچنین از خانم اعظم جنتی فر کارشناس قطب که به ایشان کمک کرده‌اند، سپاسگزاری می‌کنم.

محمد جعفر یاحقی

مدیر قطب علمی فردوسی شناسی